

قطعه نامه 598 و مدیریت امام خمینی(ره)

برای این که قطعه نامه 598 را بعد از گذشت 26 سال، مجدداً تعریف و نحوه مدیریت حضرت امام بر آن را بازشناسی کنیم، لازم است ابتدا به استراتژی بین‌المللی انقلاب اسلامی که توسط حضرت امام، تعیین و دنبال می‌شد نگاهی داشته باشیم.



برای این که قطعه نامه 598 را بعد از گذشت 26 سال، مجدداً تعریف و نحوه مدیریت حضرت امام بر آن را بازشناسی کنیم، لازم است ابتدا به استراتژی بین‌المللی انقلاب اسلامی، که توسط حضرت امام، تعیین و دنبال می‌شد نگاهی داشته باشیم. انقلاب اسلامی چه در نقطه عزیمت و چه در اوج پیروزی مرحله اول خود بر نظام ستمشاهی، راهبرد بین‌الملل خود را نفی قدرت‌های سلطه‌گر غرب و شرق و تکیه بر قدرت لایزال الهی در ایمان امت مسلمان را با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» قرارداد و پس از استقرار، هجوم به کفر جهانی و نظام‌های استکباری را آغاز کرد؛ بویژه پس از تسخیر لانه جاسوسی، درگیری با کفر بین‌المللی ظهور آشکارتری یافت. از این رو جنگ تحمیلی هشت ساله در تقابل با حرکت پرشتاب و گسترش تفکر انقلاب اسلامی در جهان بود.

بنابراین در مقطعی که قطعه نامه 598 مورد پذیرش حضرت امام قرار می‌گیرد نباید آن را به مثابه صلح با نظام‌های استکباری که دست‌های ظاهر و پشت‌پرده رژیم بعثی بودند، دانست. تعبیر حضرت امام از پذیرش قطعه نامه به عنوان «جام زهر» نشان‌دهنده اضطراب و به بیان حضرت امام «مصلحت انقلاب و نظام» است.

و به صراحت می‌فرمایند که «قبول قطعه نامه از طرف جمهوری اسلامی به معنای حل مساله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهان‌خواران علیه ما کنده شده است.» و نیز تأکید می‌کنند که «اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود، اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.» این که پذیرش قطعه نامه را، گردن نهادن به رضایت حق تعالی می‌دانند، به معنی آن است که پذیرش قطعه نامه به مرحله تکلیف واجب شرعی رسیده است.

امام خمینی(ره) در حکم واجب شرعی که به دلیل شرایط خاص داخلی و بین‌المللی متوجه ایشان و نظام شده است آنچنان غرق نشدند که نظام راهبردها، سیاست‌ها و هدف‌های متعالی را فراموش کنند و انقلاب اسلامی تحت تأثیر این حادثه، از آرمان‌ها و اهدافش دست بکشد. بلکه پذیرش قطعه نامه را که می‌توانست تهدید جدی برای نظام و انقلاب اسلامی باشد با مدیریت پیامبرگونه، بدل به فرصت جدیدی برای بالندگی و شتاب در مسیر تمدن‌سازی اسلامی کردند.

تعبیر حضرت امام پرده از این بازگشت به راهبرد اصلی انقلاب اسلامی برمی‌دارد آنجا که می‌فرمایند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند.

به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر این که شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی ما را لکه دار کنند.»

از این رو انرژی متراکم شده در دفاع مقدس و ختم ناخواسته این مرحله از جنگ را آرایش مجدد داده و به نبرد با دشمن فرامی‌خوانند چنان که در ادامه می‌فرمایند: «من به صراحت اعلام می‌کنم جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.»

در این مسیر، جبهه درگیری را ترسیم و اردوگاهی به وسعت مظلومان، ستمدیدگان، مسلمانان آزاده و بی‌پناه و گرسنگان جهان در مقابل جهان‌خواران برقرار می‌کنند و می‌فرمایند: «ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.»

این رویکرد که جهشی در حرکت انقلاب اسلامی به شمار می‌رود در میدان‌های دیگر خود را باز نشان داد و می‌توان آنها را شاهد صادقی بر مدعای استراتژی هجوم بی‌امان و خستگی‌ناپذیر به جبهه کفر و استکبار دانست. همچون حکم تاریخی نسبت به سلمان رشدی که نظام اهریمنی قدرت سازمان یافته استکبار را در نهادهای جعلی بین‌المللی که ابزار قدرت نمایی آنها علیه مستضعفان و محرومان جهان است، نادیده می‌گیرد یا نامه به گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی، که نشانگر رسالت جهانی اسلام و نظام اسلامی برای باز کردن طوق‌های بندگی از گردن مظلومان و مستضعفان جهان است، حکایت از آن دارند که امام امت رضوان الله تعالی علیه، استراتژی تقابل همیشگی با جبهه کفر و شرک و سران استکبار را بی‌وقفه دنبال می‌کنند. همچنان که نظام مقدس اسلامی پس از امام خمینی نیز همین مسیر را بی‌درنگ و بدون ذره‌ای مسامحه ادامه می‌دهد.

حجت الاسلام دکتر علی اصغر نصرتی / عضو هیات علمی گروه فقه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی